فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۴۸-۲۳۱
New Period 4, No 31, 2021, P 231-248
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

تبیین الگوی توسعه سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی (مطالعه موردی؛ شهروندان شهر پرند)

سعید اسلامی[۱]. حسن کاویانپور[۲*]
۱. هیات علمی رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، ایران
۲. دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد چالوس، ایران
نویسنده مسئول

چکیده
سرمایه اجتماعی عبارت است از ارتباطات و شبکه های اجتماعی که می توانند حس همکاری و اطمینان را در میان افراد یک جامعه پدید آورند. در این میان نباید از نقش نهادهای مدنی و دولت و سیاستگذاران در گشودن چنین فضاهایی غافل شد. از این رو سرمایه اجتماعی یکی از مهم ترین شاخصه‌های رشد و توسعه هر جامعه ای به شمار می‌آید. هدف این مقاله تبیین الگوی توسعه سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه ساکنین شهر پرنددر سال ۱۳۹۹ می‌باشند که نمونه آماری آن با جدول کوکران ۱۲۰نفر برآورد گردید. از پرسشنامه به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است که در بین افراد توزیع شده و پس از ت تکمیل توسط نرم افزار آماری **SPSS** و آزمون آماری تی و تحلیل عاملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بیانگر وجود سطح متوسط و پایین سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی بوده است. همچنین از مجموع ۱۵ شاخص شناسایی شده ۴ مولفه (اعتماد - ارتباط صداقت و شفافیت - همکاری – مشارکت) به عنوان عوامل موثر بر مشارکت سیاسی شهروندان استخراج شده است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی، شهر پرند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۱- مقدمه و بیان مساله

امروزه در کنار سرمایه های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی[1]نیز مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی، یا بعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فائق آید و حرکت به سوی رشد وتوسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و. . . را امکان پذیر سازد (کاظم زاده، ۱۳۸۹).

مشارکت سیاسی یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورها به شمار می رودکه اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی جامعه دارد. سرمایه اجتماعی عامل مهمی است که تعیین نقش و چگونگی تأثیرگذاری آن بر مشارکت سیاسی و احیاناً به فعل درآوردن نیروی بالقوه آن، اخیراً مورد توجه ویژه در محافل علمی واقع شده است و معرفت به سرمایه اجتماعی در جهت تأمین مشارکت سیاسی و نهایتاً کمک به توسعه سیاسی و تکوین و بسط دموکراسی، حائز اهمیت است. بنابراین، فرض بر این است که سرمایه اجتماعی ظرفیت کنش سیاسی افراد را افزایش داده و درنتیجه احتمال درگیری سیاسی آنان را بالا می برد (الوانی، ۱۳۸۵).

زمینه تاریخی سرمایه اجتماعی

بحث سرمایه اجتماعی، اوّلین بار، قبل از سال ۱۹۱۶، توسط هانی فان، از دانشگاه ویرجینیای غربی (در امریکا) مطرح شد؛ اما علی رغم اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی، تا سال ۱۹۶۱ که توسط جین جاکوب در برنامه ریزی به کار برده شد، شکل جدی به خود نگرفت.

امروزه نیز دانشمندان و نظریه پردازانی همچون: جمیز کلمن (۱۹۶۶)، گلن لوری (۱۹۷۰)، بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسون (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳) و فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۰) و. . . تعاریف متعددی را از سرمایه اجتماعی ارائه کرده اند. برای مثال، پیر بوردیو، سه نوع سرمایه را شناسایی نمود که عبارت از: سرمایه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بودند. او سرمایه اجتماعی را شکلی از سرمایه می دانست که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند همراه با سرمایه فرهنگی، ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، این دیدگاه آخر در زمینه سرمایه اجتماعی، یک دیدگاه ابزاری صرف است. به عبارتی، از دیدگاه بوردیو، اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت. اما جیمز کُلمن، بر خلاف بوردیو، برای تعریف سرمایه اجتماعی، از نقش و کاربرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی (و نه صرفا ذهنی و نظری) از سرمایه اجتماعی ارائه داد. بر

1. social capital

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

این اساس، سرمایه اجتماعی عبارت است از: ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند (الوانی، ۱۳۸۵).

بنا بر این، کُلمن بر خلاف بوردیو ـ که «سرمایه اقتصادی» را به عنوان هدف نهایی در نظر گرفته بود ـ «سرمایه انسانی» را مهم تر دانسته، و سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار برد. پوتنام نیز یکی دیگر از محققین اخیر سرمایه اجتماعی است که سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام های مختلف سیاسی می دانست و تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود.

اِوا کاکس نیز در تعریف سرمایه اجتماعی گفت که این مفهوم به: «فرآیندهای بین فردی، که اعتماد و هنجارهای اجتماعی و شبکه روابط را می‌سازند و همکاری و هماهنگی متقابل را تسهیل می کنند» مربوط می شود که در نتیجه آن، منافع متقابل، افزایش می‌یابد. از نظر وی سرمایه اجتماعی قابل اندازه گیری است و منزلت اجتماعیِ سایر سرمایه ها را نیز در بر دارد.

و در نهایت، فوکویاما، سرمایه اجتماعی را یک هنجار اجتماعی محسوب می‌کند که همکاری بین دو یا چند نفر را تقویت می‌بخشد و آن را ویژگی عمل متقابل بین دو دوست می‌داند. او معتقد است که اعتماد، شبکه های ارتباطی و جامعه مدنی، همگی محصول سرمایه اجتماعی هستند، نه این که خود آنها سرمایه اجتماعی به حساب آیند. از نظر او هنجارهایی سرمایه اجتماعی هستند که به همکاری در گروه ها منجر شوند (الوانی، ۱۳۸۵).

تعریف عمومی از سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، عبارت است از یک ظرفیت (جوهر اجتماعی) که هماهنگی و همکاری را در جامعه و گروه، تسهیل می کند. در واقع، می توان سرمایه اجتماعی را یک مفهوم مرکب که دارای سه بعد: ساختار، محتوا و کارکرد است، تلقی نمود که ساختار اجتماعی آن، همان شکبه ارتباطات اجتماعی است و محتوای آن، عبارت از اعتماد و هنجارهای اجتماعی است و کارکرد آن نیز همان عمل متقابل اجتماعی است.

عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی

عوامل ساخت سرمایه اجتماعی را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند:

۱- عوامل نهادی: نهاد به معنای قانون، رسم، عرف، عادت و یا سازمانی است که در زندگی سیاسی یا اجتماعی مردم، مؤثّر واقع می شود و نظام هدف داری را در جهت رفع نیازهای یک اجتماعِ سازمان یافته،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ایجاد می‌کند، مانند: دولت که از طریق وضع قوانین و ایجاد نظام هدفدار، موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود.

۲- عوامل خودجوش: هنجارهایی که به صورت خودجوش، به جای قانون و دیگر نهادهای رسمی، از کُنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آیند و ناشی از انتخاب های تعمّدی نیستند، در این دسته قرار می‌گیرند.

۳- عوامل بیرونی: منظور از این دسته عوامل، هنجارهایی هستند که از جایی، غیر از همان اجتماعی که در آن به کار رفته اند، سرچشمه می گیرند، همچون: دین، مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ یا تجربه مشترک تاریخی.

٤- عوامل طبیعی: در این گروه، دو دسته از عوامل: «روابط خویشاوندی» و «همبستگی های قومی و نژادی» قرار می‌گیرند (کاظم زاده، ۱۳۸۹)

ابعاد سرمایه اجتماعی

در یک دسته بندی، سرمایه اجتماعی به سه بُعد: ساختاری، شناختی و ارتباطی تقسیم می شود که در ادامه به بررسی هر یک از این ابعاد می پردازیم.

الف- بعد ساختاری

الف: پیوندهای موجود در شبکه، شامل: وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه.

ب: شکل و ترکیب شبکه، شامل: سلسله مراتب شبکه، میزان ارتباط پذیری و تراکم شبکه.

ج: تناسب سازمانی، مثلاً: تا چه اندازه شبکه ایجاد شده برای یک هدف خاص، ممکن است برای اهداف دیگر نیز استفاده شود.

ب- بعد شناختی

این بعد که محور آن، شناخت (یعنی فعالیّت‌های ذهنی، عقلی و اندیشه ای) است، با استفاده از زبان مشترک، بینش مشترکی از اهداف و ارزش‌ها را برای اعضای شبکه فراهم می‌کند و مقدمه فعالیت بهینه آنان در نظام اجتماعی را فراهم می نماید و شامل: زبان، علائم مشترک و روایت های مشترک است.

ج- بعد ارتباطی

این بعد، شامل مؤلّفه هایی چون: اعتماد، هنجارها، تعهدات، روابط متقابل و تعیین هویت مشترک است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

یک تقسیم بندی دیگر

دسته بندی دیگری از ابعاد سرمایه اجتماعی توسط گروه «کِندی» در دانشگاه هاروارد، انجام شده که در عین توجّه به متغیرهای تقسیم پیشین، سرمایه اجتماعی را به گونه ها و ابعاد متنّوع تری تقسیم نموده است:

۱. اعتماد

الف: اعتماد اجتماعی: شامل اعتماد به افرادی مانند: همسایه، همکار، فروشنده یک فروشگاه، یک هم کیش، پلیس و خلاصه همه کسانی است که در زندگی روزمره با آنها در ارتباط هستیم.

ب: اعتماد میان نژادهای مختلف: ممکن است سرمایه اجتماعی، میان نژادهای مختلف (سیاه، سفید، زرد) بررسی شود و میزان اعتماد نژادها به همدیگر سنجیده شود (کاظم زاده، ۱۳۸۹).

۲. مشارکت سیاسی

الف: مشارکت سیاسی عادی: این نوع مشارکت را می توان از روی تعداد رأی دهنده، میزان مطالعه و حجم خرید روزنامه ها، اطلاعات شهروندان از مسائل سیاسی روز و. . . مورد اندازه گیری قرار داد.

ب: مشارکت سیاسی نقادانه: ممکن است مشارکت سیاسی عادی یک جامعه در حد پایینی باشد، ولی همین جامعه از لحاظ مشارکت سیاسی نقادانه، سطح بالایی داشته باشد و افراد در فعالیت‌هایی مثل: راهپیمایی‌ها، اعتصابات، تحریم ها، تجمع ها، انقلاب سیاسی و. . . حضور فعال داشته باشند.

۳. مشارکت و رهبری مدنی

الف: رهبری مدنی: نقش رهبری افراد در گروه‌ها، باشگاه‌ها، انجمن‌ها و امور شهر یا مدرسه و دانشگاه و نظایر اینها ـ که اشکال مختلف مشارکت مدنی هستند، گونه ای از سرمایه اجتماعی است.

ب: مشارکت مدنی: یعنی افراد جامعه تا چه اندازه در انواع گروه‌های مذهبی، باشگاه‌های ورزشی، سازمان‌های جوانان، انجمن‌های مربوط به والدین، گروه‌های و مؤسسات خیریه، تعاونی‌ها و اتحادیه های کارگری، فرهنگسراها و. . . فعالیت می کنند.

٤. پیوندهای اجتماعی غیر رسمی

این بعد، بر خلاف بعد قبلی، به سنجش جنبه‌های غیر رسمی سرمایه اجتماعی می‌پردازد، مانند: تعداد دوستان یک فرد، میزان معاشرت فرد با دوستان خود در محیط اداری و خارج از آن، مشارکت در بازی‌های گروهی، دیدار از فامیل و...

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۵- بخشش و روحیه داوطلبی

عضویت افتخاری شهروندان در سازمان های غیردولتی خدمات انسان دوستانه و همکاری افراد جامعه با نهادهای خیریه و داوطلبانه، چه به صورت مالی و فکری و صرف وقت، از این قبیل سرمایه های اجتماعی است.

٦- مشارکت مذهبی

مذهب نقش خیلی مهمی در سرمایه اجتماعی ایفا می کند. افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند، ممکن است منشاء مشارکت باشند. مانند: فعالّیت در امور مساجد و تکایا، کلیساها و یا اماکن مذهبی و زیارتی.

۷- عدالت در مشارکت مدنی

در برخی جوامع تمایل به سوی افراد متمکن، تحصیلات عالیه و نژاد خاصی است و بالعکس در برخی جوامع دیگر، افراد فقیر در اولویت قرار دارند. از آن جا که این عوامل در سلامت جامعه مهم هستند، اندازه گیری میزان تساوی افراد مختلف در مشارکت های اجتماعی، حائز اهمیت است.

۸-تنوع معاشرت ها و دوستی‌ها:

هر چه فرد با افراد، طبقات و گروه های بیشتر و متعلق به نژادها و مذاهب مختلف در ارتباط باشد و با آنها رابطه دوستی برقرار کرده باشد، به همان اندازه موجب افزایش سرمایه اجتماعی شده است (کاظم زاده، ۱۳۸۹).

مشارکت مردم

مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم علوم سیاسی است. این مشارکت در درجه ی اول از طبع اجتماعی انسان ریشه می‌گیرد. مشارکت در امور اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه‌ی افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت ممکن است یا در قالب فعالیت‌های معین صورت گیرد، مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، و یا ساختار حقوقی و اقتصادی به خود بگیرد.

یکی از بارزترین نمونه های مشارکت مردمی، مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی است که کمک فراوانی به حفظ وحدت و همبستگی ملی می‌کند.

مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه ی اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست گذاری عمومی است. به بیانی دیگر، مشارکت سیاسی عبارت است از ورود به عرصه و جرگه ای که به تحقق یک اراده ی جمعی منجر شده، یا مانع تحقق آن اراده ی جمعی می‌شود. یکی از مهم ترین مسائل در بحث مشارکت سیاسی، توجیه افرادی است که مشارکت نمی‌کنند. ولی باید دید که موانع

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مشارکت این افراد و راه های تقویت مشارکت عمومی کدام اند و چگونه می‌توان توجه همه یا اکثریت افراد یک جامعه را به مشارکت در سرنوشت خودشان و مسائل جامعه جلب کرد (کارکنان نصرآبادی، محمد، ۱۳۸۹).

برخی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی

عوامل فرهنگی: فرهنگ از مهم ترین متغیرهای مشارکت سیاسی و اجتماعی است. در جامعه ی دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی، مشارکت افراد گسترده تر است و در جامعه ای که فاقد چنین فرهنگی است، مردم با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی برخوردی انفعالی دارند. در جامعه شناسی سیاسی درباره ی عوامل مؤثر بر مشارکت، نظریه های گوناگونی وجود دارد. نظریه ی «ماکسوبر» است که نقش فرهنگ را پررنگ تر از سایر عوامل می‌داند در حالی که نظریه‌ی «دترمینیستی مارکس» عامل اقتصادی را زیربنای روابط اجتماعی، از جمله مشارکت می‌داند. به نظر می رسد فرهنگ‌های مختلف انگیزه ها و توقعات متفاوتی را در افراد جامعه به وجود می‌آورند. ممکن است در فرهنگ‌هایی که عامل اقتصادی قوی وجود دارد و پیشرفت اقتصادی آرمان افراد آن جامعه است، مردم برای گسترش یا تداوم فعالیت‌های اقتصادی راه های سیاسی را طی کنند (کارکنان نصرآبادی، محمد، ۱۳۸۹). در فرهنگ هایی نیز ممکن است انسان‌ها به خاطر احساس نیاز به عوامل معنوی در سیاست مشارکت کنند؛ بنابراین با زمینه سازی های فرهنگی مناسب در جوامع می توان افراد را به مشارکت در امور سیاسی ترغیب کرد.

به طور عمومی می‌توان گفت که یکی از دلایل شرکت افراد در امور سیاسی و اجتماعی پیوستن به جمعیتی است که به گونه ای آرزوها، ارزش‌ها و نارضایتی های آنان را منعکس می‌کند و اساساً انسان موجودی اجتماعی است و اجتماعی بودن او تنها برای برآوردن نیازها نیست، بلکه بهره مندی انسان از قوه ی تفکر، این حیات اجتماعی را به طور فطری در او پدید می‌آورد که یافته های فکری و مکنونات خویش را با دیگران در میان بگذارد. هر قدر شهروندان به تعلقات مشترک میان خود آگاهی بیشتری داشته باشند، بهتر می توانند تصمیم های سیاسی را که به مصالح عام نزدیک تر است، تشخیص دهند. البته این در صورتی است که امکان واقعی انتخاب و مشارکت را در اختیار داشته باشند (کارکنان نصرآبادی، محمد، ۱۳۸۹).

درجه ی آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان، با میزان و کیفیت جریان اطلاعات، سهولت دسترسی به آن و اعتماد عمومی به منابع تغذیه ی اطلاعاتی، رابطه ای مستقیم دارد. معمولا گرایش‌های حزبی، صنفی، گروهی، اجتماعی و سیاسی مردم و واکنش آنان در برابر عمل کرد حکومت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی به پیش زمینه های آگاهی بستگی دارد.

هویت سازی: عقاید و هویت سیاسی یک شخص، تأثیر تعیین کننده ای بر عمل سیاسی او می‌گذارد. در سیاست و مشارکت سیاسی و اجتماعی، بر خلاف علوم طبیعی، بین نظر علمی و عقاید، یعنی بین معرفت سیاسی و عقیده ی سیاسی فاصله ای نیست و نمی‌توان تأثیر عقاید و هویت یک شخص بر عمل سیاسی اش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

را انکار کرد. بیشتر مردم و فعالان سیاسی، عقاید و هویت سیاسی خود را در دوره ی جوانی کسب می‌کنند، اگرچه در آینده ممکن است تحت تأثیر شرایطی تغییر عقیده دهند. عواملی مثل جامعه پذیری و تأثیرپذیری کودک و نوجوان از اندیشه ی حاکم در محیط تولد، احترام اجتماعی به یک عقیده، سازگاری عقیده ای و میزان سازگاری با عقاید و تجربه ی شخصی، در شکل گیری هویت سیاسی شخص در دوره‌ی رشد شخصیتی مؤثر هستند.

سنت و آداب و رسوم: سنت، حلقه ی اتصال گذشته و حال و آینده است. اگر سنت و آداب و رسوم یک جامعه، مثبت و مشارکت جو باشد، با بازتولید آن، نسل جدید به آسانی در فعالیت‌های سیاسی جامعه مشارکت می‌کند; در غیر این صورت، تغییر سنت به سنت‌های مشارکت جو، به زمان و هزینه ی بسیاری نیاز دارد. هر جامعه ای دارای سنن و آدابی است که بعضی از آنها برای استفاده از امور جدید باید تغییر پیدا کنند و بعضی از سنت های عقلانی و منطقی باید حفظ شوند.

فقرزدایی و عدالت اجتماعی: اگر شرایط اقتصادی به گونه ای باشد که انسان بتواند وسیله ی اولیه ی معاش را فراهم کند، فرصت بیشتری برای پرورش استعدادهای لطیف مشارکت سیاسی و اجتماعی فراهم می‌شود.

گروه‌های نفوذ: یکی از بهترین راه های بسیج مردم برای مشارکت سیاسی و اجتماعی، بهره گیری از گروه های کوچک و منسجم است. این گروه ها توانایی بسیج سریع افراد را دارند. تمام نظریه های سیاسی، نقش گروه های واسط در ایجاد وحدت ملی را بارز دانسته اند; چون بیشتر افراد توانایی همسان کردن هویت خود با گروه های بزرگ واسط میان احزاب و گروه های انتزاعی، مانند ملت را ندارند و گروه‌های واسط، این فراگرد و همسان سازی را تسهیل می‌کنند.

رسانه‌ها: به یقین در کشوری که مردم می توانند آزادانه در تصمیم گیری‌های اجتماعی شرکت کنند، باید انگیزه ی لازم برای مشارکت را در آنان فراهم ساخت. رسانه‌ها در این امر نقش مهمی دارند; مثلا با تقویت ملی گرایی مثبت می توانند انگیزه ی مشارکت را بالا ببرند.

عوامل شخصیتی: افراد به دلایل مختلف، از جمله تجربیات شخصی، یا سرخوردگی و یا محصور و ممنوع بودن، در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت نمی‌کنند.

تحصیلات: تحصیلات تأثیر دو سویه ای بر مشارکت افراد دارد. افراد با تحصیلات بالا ممکن است به خاطر آگاهی هایی که دارند در انتخابات شرکت و یا از آن اجتناب کنند.

دین و مذهب: مذهب به نوبه ی خود عاملی مهم و شاید مهم ترین عامل در مشارکت عمومی باشد. ادیان و مذاهب مشارکت جو، مثل تشیع، افراد را به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی دعوت می کنند(عباسپور، ۱۳۸۵).

طبق تعریف دانچف (۲۰۰۶)، سرمایه اجتماعی به معنی ویژگی‌هایی از سازمانهای اجتماعی، از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتمادی است که عمل و همکاری برای رسیدن به سود متقابل را تسهیل می کند. در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

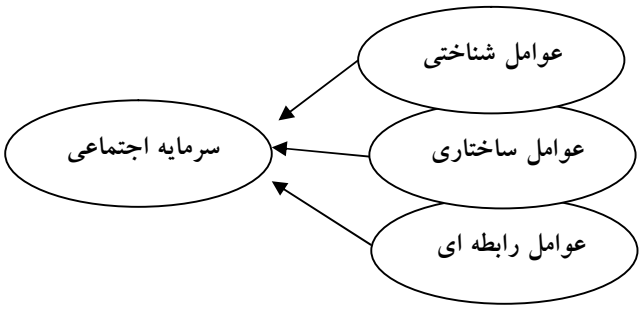
اجتماعی که از حجم قابل توجهی از سرمایه اجتماعی بهره مند است، همکاری آسانتر است. به اعتقاد کوهن و پورساک سرمایه اجتماعی عبارت است از: اعتماد، درک متقابل، رفتارها و ارزش های مشترک (اسمیت، ۲۰۰۶).

میر[1](۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان سرمایه اجتماعی و کارایی دسته جمعی برای تاب آوری در مناطق سیل زده در فلوریدا بیان داشت اگر افراد و مسئولان سازمان‌ها به اهمیت کارایی دسته جمعی در مورد بلایای طبیعی پی ببرند، در ارتقا آن در جامعه می کوشند.

اندیشمند، ویدا (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان شناسایی مؤلفه های سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها به منظور ارائه مدلی جهت ارتقاء آن پس از انجام تحلیل عاملی، ۷ مؤلفه اصلی و ۵۴ زیر مؤلفه شناسایی شده و با هویت سازمانی، توانمندسازی، همکاری و نفع عمومی، تسهیم دانش و خلق سرمایه فکری، اعتماد و همبستگی، مدیریت مشارکتی و آگاهی نامگذاری کرده است.

اصفهانی و همکاران(۱۳۸۳) در نتایج پژوهشی با عنوان بررسی سرمایهٔ اجتماعی سازمانی در سازمانهای خدماتی استان اصفهان نشان داد میانگین‌های حاصل در خصوص عوامل شناختی، عوامل ساختاری و عوامل رابطه ای، سرمایهٔ اجتماعی سازمانی در سازمانهای خدماتی دولتی اصفهان از سطح متوسط بزرگتر بود و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عوامل شناختی، ساختاری و رابطه ای سرمایهٔ اجتماعی سازمانی در سازمانهای خدماتی دولتی اصفهان وجود دارد .از عوامل زمینه ای بررسی شده تحصیلات و سابقهٔ کار ارتباط معنی داری با میانگین حاصل از عوامل سرمایهٔ اجتماعی نشان داد؛ اما سن، جنس، رشتهٔ تحصیلی و سابقهٔ کار ارتباط معنی داری با میا نگین حاصل ازعوامل سرمایهٔ اجتماعی نشان نداد.

مدل نظری که در این پژوهش ارائه شد به شکل زیر می باشد.



شکل(۱) مولفه‌های سرمایه اجتماعی

1. Meyer

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

اگر جامعهٔ مدنی را محلی بدانیم که فضای مساعد، مناسب و منطقی رقابت بین اقشار جامعه را فراهم ساخته و کثرت گرایی با اتکا به مشارکت سیاسی همهٔ مردم عملی و آزادی ها در حیطهٔ قانون رعایت شود، درآن صورت تحقق آن احتیاج به وجود زمینه‌ها و پیش شرط‌هایی دارد. به بیان دیگر، شکل گیری جامعهٔ مدنی به عنوان پدیدهٔ اجتماعی خاص تابع مجموعه‌ای از شرایط عینی و ذهنی ویژه ای است که خود بر اثر تحولات اجتماعی بلندمدت در مرحلهٔ ویژه ای از تاریخ جامعه به وجود می‌آیند. بنابراین، نمیتوان هر زمان و در هر شرایط اجتماعی بنا به دلخواه خود جامعهٔ مدنی را به دست آورد (هاشمی، ۱۳۹۱).

با توجه به آنچه گفته شد، باید حق انتخاب شدن، حق انتخاب کردن و حق داشتن مناصب عمومی را به عنوان حقوق ضروری برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه جهت تحقق جامعهٔ مدنی را در نظرگرفت. کلمن در یک مطالعه پیشتر نشان داده بود که سرمایه اجتماعی ممکن است برای توسعه سرمایه انسانی فردی مهم باشد (کلمن، ۱۹۸۸) و مطالعات اخیر به دنبال ایجاد پیوندهای بین سرمایه اجتماعی و دیگر موضوعات اجتماعی و اقتصادی بوده است. بانک جهانی (۲۰۰۲) «شواهد فراوانی» را گزارش کرده است که سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمی در کاهش فقر و توسعه پایدار انسانی و اقتصادی دارد.

همچنین بسیاری از مطالعات در داخل کشور حاکی از آن است که هم از یک طرف مشارکت سیاسی در جامعه کاهش یافته و هم سرمایهٔ اجتماعی دچار نزول شده است. برای مثال، هاشمی و دیگران (۱۳۸۸)و پالیزبان (۱۳۹۰) در مطالعهٔ خویش دریافتند که میزان مشارکت سیاسی در بین شهروندان پایین است. در رابطه با کاهش سرمایهٔ اجتماعی نیز، شاهد یافته‌های مشابهی در داخل کشور هستیم .برای مثال، دینی ترکمانی (۱۳۸۵)و ربانی خوراسگانی و دیگران (۱۳۸۸) از پایین بودن سرمایهٔ اجتماعی و کتابی و دیگران (۱۳۸۹) از پایین بودن اعتماد نهادی و اعتماد عمومی در جامعه مورد مطالعهٔ خویش سخن گفته اند. همچنین، عبداللهی و موسوی (۱۳۸۵) با بررسی و سنجش سرمایهٔ اجتماعی در ایران، دریافتند که کموکیف سرمایهٔ اجتماعی به ویژه در بُعد روابط انجمنی پایین است. نوع غالب آن، درونگروهی و قدیم با پیامدهای مثبت و منفی است. هدف اصلی تبیین الگوی توسعه سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی می‌باشد.

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

با عنایت به اینکه مفهوم مشارکت در بطن توسعهٔ کشورها قرارگرفته و گسترش روحیهٔ مشارکتی در افراد و بسط فرهنگ مشارکت، امری معقول و اجتناب ناپذیر می نماید، از این جهت شناسایی عوامل مؤثر بر یک جنبهٔ مهم آن یعنی مشارکت سیاسی و شناخت بنیان های

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فکری-فرهنگی حاکم بر آن به منظور ایجاد مشارکت سیاسی بیشتر افراد درخور توجه است. یکی از عمده ترین عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی، سرمایهٔ اجتماعی است که تعیین نقش و چگونگی تأثیرگذاری آن بر مشارکت سیاسی و احیاناً به فعل درآوردن نیروی بالقوهٔ آن، اخیراً مورد توجه ویژه در محافل علمی واقع شده است.

در واقع، سرمایه اجتماعی را می توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملّی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادّی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی‌رسد، به طوری که بسیاری از گروه ها، سازمان ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفا با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی، به زندگی فرد، معنی و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده تر و لذت بخش تر می‌کند. پس به طور کلی می‌توان گفت: هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد، آن ملت، خوشبخت تر و ثروتمندتر خواهد بود. بر همین اساس، تحقیق حاضر به تبیین الگوی توسعه سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر پرند می پردازد.

۳- روش پژوهش

روش کار توصیفی از نوع پیمایشی است. ابزار پرسشنامه محقق ساخته می باشد و در روش تجزیه و تحلیل از نرم افزار **SPSS**و آزمون های آماری تی و تحلیل عاملی استفاده شده است. برای نمونه گیری از شیوه نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای، استفاده شده و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه آماری به دست آمده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: جدول اطلاعات دموگرافیک افراد نمونه آماری مورد مطالعه

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
زیر دیپلم	16	13. 3
دیپلم	38	31. 7
فوق دیپلم	19	15. 8
لیسانس	40	33. 3
فوق لیسانس و بالاتر	7	5. 8
سن		
بین ۲۰ تا۲۵ سال	29	24. 2
بین ۲۶ تا ۳۱	34	28. 3
بین ۳۲ تا ۳۷	33	27. 5
بین ۳۸ تا ۴۳	18	15. 0
بالای ۴۳ سال	6	5. 0
کل	120	100. 0
مدت زمان اقامت در شهر پرند		
زیر ۵ سال	41	34. 2
بین ۱۰ تا ۵ سال	42	35. 0
بین ۱۰ تا ۵ سال	23	19. 2
بین ۱۵ تا ۱۰ سال	11	9. 2
بالای ۱۵ سال	3	2. 5

جهت بررسی میزان سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی از آزمون آماری تی استفاده شده است در این آزمون از طیف ۵ گزینه‌ی لیکرت استفاده شده است و امتیاز یک نشان دهنده کمترین میزان و امتیاز ۵ نشان دهنده بیشترین میزان است. بدین ترتیب عدد ۳ به عنوان میانگین نظری پاسخ‌ها در نظر گرفته شده است و میانگین بدست آمده (میانگین تجربی) با عدد ۳ مقایسه می‌شود لذا یافته‌های تحقیق برابر جدول ذیل در خصوص میزان سرمایه اجتماعی مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که میانگین کلی معیارها ۳/۰۱ بوده است. و این مطالب را آزمون **t** با سطح معناداری که کمتر از پنج صدم به دست آمده است **(p≤0/05)** تأیید می‌نماید. یعنی میزان سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی در حد متوسط و کم بوده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

جدول ۲: خلاصه تجزیه و تحلیل آماری مربوط به بررسی میزان سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی

شاخص	Mean	Std. Deviation
سرمایه اجتماعی	۳/۰۱	۰/۰۴۹

جهت بررسی سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی شده شده است. درتحلیل عاملی مهم‌ترین عوامل با روش تحلیل خوشه‌ای مناطق، به گروه‌های همگن طبقه بندی شده‌اند. به منظور تسهیل در انجام مراحل تحلیل، اطلاعات در محیط **SPSS** مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول۳: بار عاملی و درصد تبیین واریانس سوالات در تحلیل عاملی اکتشافی مولفه‌های سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی

مولفه	سوال	مقدار ویژه	درصد واریانس	آلفای کرونباخ
اعتماد	۵	۶/۵۲۴	۴۴/۵۰۱	۰/۹۶۴
	۱۲			
	۱۱			
	۹			
	۶			
صداقت و شفافیت	۳	۲/۴۵۶	۱۶/۸۹۹	۱/۹۰۸
	۴			
	۸			
	۲			
ارتباط اجتماعی	۱۵	۱/۶۹۶	۱۱/۲۹۶	۰/۸۵۲
	۱۴			
	۱۰			
همکاری و مشارکت	۱۳	۱/۳۸۵	۹/۲۵۱	۰/۹۰۰۰
	۷			
	۱			

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که از مجموع ۱۵ شاخص شناسایی شده ۴ مولفه استخراج شده است. می توان با توجه به محتوای سوالات در هر مولفه عناوینی برای آن ها انتخاب نمود به طوری مجموعه ۵ سوال -۵

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۶-۹-۱۱-۱۲ مولفه اعتماد و مجموعه ۴ سوال ۳-۴-۵-۸ مولفه ارتباط اجتماعی ، سه سوال ۱۰-۱۴-۱۵ مولفه صداقت و شفافیت و مجموعه ۳ سوال ۱۲-۷-۱ مولفه همکاری و مشارکت را تشکیل داده است که درصد تبیین تجمعی واریانس برابر با ۷۹/۹۵ درصد می‌باشد.

جدول ٤: بررسی شاخص های مدل تاییدی میزان سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی

PGFI	AGFI	GFI	CFI	NFI	SRMR	RMSEA	X2/df
۰/۶۲	۰/۸۱	۰/۸۷	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۰۵۷	۰/۰۷۷	۱/۸۲

بررسی از جدول ۴ نشان داد شاخص‌های مدل مورد پذیرش بوده و مدل تاییدی برای سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی تایید شده است بطوری که شاخص **CFI** برابر با ۰/۹۷ و شاخص **GFI** برابر با ۰/۸۷ بدست آمده و نسبت کای دو به درجه آزادی کمتر از ۳ می باشد. همچنین با استناد به نتایج جداول فوق می‌توان گفت در سطح خطای ۰/۰۵ تمامی ضرایب مسیر تاییدی مدل معنی دار می‌باشد و مدل تاییدی موید مولفه های استخراجی از تحلیل اکتشافی است.

٤- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد میزان سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی درسطح متوسط و پایین بوده است همچنین از مجموع ۱۵ شاخص شناسایی شده ۴ مولفه اعتماد؛ ارتباط صداقت، شفافیت، همکاری و مشارکت استخراج شده است.

با توجه به این مطلب که ایران با چالش هایی در زمینه سرمایه اجتماعی در مشارکت مواجه است بنابراین لازم است تا نحوه شناخت و درک افراد و دولت از مساله همگن بوده تا بتوان از طریق تقویت پایه های سرمایه اجتماعی در افزایش مشارکت مردم و همکاری بیشتر با دولت در بین افراد جامعه بهره برد. نتیجه این که احیای سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف جامعه سبب بهبود فضای اعتماد، شناخت صحیح، درک صحیح مشکلات از طرف دولت‌ها می‌گردد. بررسی مطالعات انجام شده و با الهام از گزارش تحقیقی کمسیون استرالیا (۲۰۰۳) سه بعدکلی یعنی بعد شبکهٔ اجتماعی، هنجار اجتماعی واعتماد اجتماعی که تعیین کنندهٔ کیفیت سرمایهٔ اجتماعی می‌باشند، شناسایی گردید.

البته پیامدهای سرمایه اجتماعی در تعامل با یکدیگر منظومه ای را تشکیل خواهند داد که تعیین کنندهٔ کیفیت سرمایهٔ اجتماعی نظام در آینده نیز خواهد بود. علاوه بر این، بخشی از کیفیت پیامدهای سرمایهٔ اجتماعی تحت تأثیر ویژگی‌ها و عوامل محیط نظام های اجتماعی قرار دارد که توجه به آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. سرمایه اجتماعی تمام الزاماتی را که برای توسعه جامعه ضرورت دارند را در خود

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

جای می دهد. پرداختن به مسائل نظری و اجرایی سرمایه اجتماعی و نیز تبیین الزامات نهفته در آن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی جالب و اساسی است و جای آن دارد که از سوی متخصصان مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا روشن شود که در کشورهای موفق در راه توسعه، مدیریت بر آن چگونه تحقق پذیرفته است. پژوهش درباره سرمایه اجتماعی اگرچه هنوز در مراحل آغازین است. ولی سیاست گذاران نمی‌توانند منتظر بمانند که پژوهشگران قبلاً از همه چیزهایی که باید در این عرصه دانست سر درآورند و بعد از آن دست به عمل بزنند بلکه باید تواماً بیاموزند و عمل کنند که این مستلزم ارزیابی جدی تر پروژه‌ها و برآورد دقیق تر تأثیر این با آن سیاست بر سرمایه اجتماعی است. و ضمناً تلاش مدیران و رهبران جامعه برای ارتقای سرمایه اجتماعی از طریق اعتماد سازی، برقراری نظام های مشارکتی، تقویت نهادهای مدنی، تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور دوطلبانه در نهادهای اجتماعی نیز حائز اهمیت می‌باشد. بنابراین حکومت باید توازن حساسی را برهم زند. از یک طرف بی اعتنایی سیاستگذاری به سرمایه اجتماعی نوعی بی‌ملاحظگی است. علاوه بر این، اجرای سیاست‌ها در اکثر حوزه ها تحت تأثیر شبکه هایی است که در بین کنشگران سیاستی مربوطه ایجاد شده اند. حکومت باید در توسعه سیاست‌هایی که تقویت کننده‌ی سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی هستند از خطرات تحلیل بردن سهوی منابع موجود سرمایه اجتماعی یا تولید اتصالاتی که بیش از پیامدهای مثبت، دارای پیامدهای منفی هستند، اجتناب کند.

یکی از بهترین راه های بسیج مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم، بهره گیری از گرو ه های کوچک و منسجم است، زیرا این گروه ها توانایی بسیج سریع افراد را دارند. زیرا بیشتر افراد توانایی همسان کردن هویت خود با گروه های بزرگ واسط مانند احزاب و گروه های انتزاعی مانند ملت را ندارند گروه های واسط این فراگرد و همسان سازی را تسهیل می کنند.

در تبیین بررسی های سرمایه اجتماعی در تجزیه و تحلیل سیاست گذاری می توان گفت بسیاری از سیاست گذاری ها و برنامه های فعلی به عنوان یکی از اهداف اصلی شان توسعه اشکال سرمایه اجتماعی را دارند. حتی اگر اهداف عینی شان همیشه در چنین بیانی نیامده باشد. چنین سیاستگذاری‌هایی در حوزه هایی مانند آموزش، تأمین رفاه، خدمات خانواده و ناحیه، ورزش و هنر، ارتباطات و تأمین خدمات اساسی ایجاد می‌شود. همچنین برخی سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های دولت، اگرچه به طور خاص بر سرمایه اجتماعی متمرکز نیست، می‌تواند بر آن اثر بگذارد. مثلاً قوانین مسئولیت عمومی برای ایجاد انگیزه برای شرکت‌ها و سازمان‌ها در عملکرد ایمن و تأمین سازوکاری برای جبران افرادی که از حوادث رنج می برند وضع می‌شوند.

حضور سرمایه اجتماعی عظیم ممکن است دامنه گزینه های خط مشی فراروی دولت را گسترش دهد. تقویت و مهار سرمایه اجتماعی در برخی موارد ممکن است از وابسته شدن به خدمات اجتماعی با پشتیبانی مالی دولت اثر بخش تر باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

آنچه مسلم است این است که دولت‌ها می‌توانند در تشکیل یا افزایش سرمایه اجتماعی دخالت داشته باشند. البته باید درنظر داشت که در ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی کارآمد عوامل زیادی از قبیل عوامل فرهنگی و تاریخی دخالت دارند و در نتیجه اثر گذاشتن بر انباشت این سرمایه گذاری و به عبارتی سرمایه گذاری بر روی آن زمان بر و هزینه بر خواهد بود. در عوض عدم توجه کافی دولت‌ها بر آثار ناشی از وضع و اجرای سیاست‌های خاص بر ارتباطات اجتماعی و چگونگی انتقال منابع و قدرت میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه می تواند به سهولت انباره موجود سرمایه اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و آن از بین ببرد.

پیشنهادات

ـ سرمایه گذاری بیشتر در مدارس، تدوین متون درسی متناسب با نیاز جامعه، افزایش رضایت مردم از مدارس دولتی.

ـ آموزش شهروندی، از جمله آموزش مهارت های ارتباطی سطح بالاتر را نه تنها در سطح مدارس بلکه در محیط کار.

ـ برنامه ریزی به منظور گسترش اعتماد و ارتباط بین اقوام و مذاهب مختلف که موجبات همدلی و همبستگی را فراهم می آورد.

ـ افزایش رفاه اقتصادی و تأمین اجتماعی مردم.

ـ واگذاری بخشی از وظایف دولت به نهادهای مدنی، دولت باید برای تقویت سرمایه اجتماعی بین یا گروهی در جامعه، زمینه مشارکت فعال مردم در انجمن های داوطلبانه را فراهم سازد.

ـ اصلاح ساختار اداری به منظور جلب بیشتر مشارکت مردمی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اکبری، امین (۱۳۸۳) نقش سرمایهٔ اجتماعی در مشارکت، بررسی تاثیر سرمایهٔ اجتماعی بر مشارکت سیاسی ـ اجتماعی. دانشکدهٔ علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.

ـ اندیشمند، ویدا(۱۳۸۸) شناسایی مؤلفه های سرمایه اجتماعی، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی

ـ بوردیو، پی یر (۱۳۸۱)، "نظریه کنش" ، ترجمه: سید مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.

ـ پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: دلفروز، تهران، انتشارات سلام.

ـ تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۴)، "تحلیل نظری زمینه های جامعه شناسی معرفت ،بوردیو" ، آشتیان. فصلنامه تخصصی جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان، سال اول، شماره ۳.

دانشگاه آزاد اسلامی واحدگرمسار، سال سوم، شماره ۲.

ـ ربانی خوراسگانی، ع. ، صدیق اورعی، غ. ر. و خندهرو، م. (۱۳۹۲). بررسی سرمایهٔ اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله. دو فصلنامهٔ علوم اجتماعی ۱۱۹۰-۱۴۹، (۲)۶،

ـ کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۸۹)، سرمایهٔاجتماعی ونظارت همگانی: نقش اعتماد اجتماعی به عنوان نشانگان سرمایهٔ اجتماعی در امنیت اجتماعی. نظارت همگانی: شهروندی و توسعهٔ سازمانی (مجموعه مقالات). تهران: فرهنگ صبا. ۲۰۵- ۲۲۳

ـ کاظم زاده، اکبر (۱۳۸۹) نظارت همگانی و سرمایهٔ اجتماعی. نظارت همگانی: شهروندی و توسعهٔ سازمانی (مجموعه مقالات). تهران: فرهنگ صبا. ۱۵۳ ـ ۱۷۰ .

ـ هاشمی، س. ض. ، فوالدیان، م. و فاطمی امین، ز. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران. پژوهشنامهٔ علوم سیاسی، ۵(۱)، ۱۹۹-۲۲۷.

ـ الوانی، مهدی؛ شیروانی، علیرضا (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی مفاهیم، نظریه ها وکاربردها انتشارات مانی.

__ Agrawal, sh. (2006). Exploring the Relationship between Wildfire Education Programs Social Capital in Communities at Risk Wildfire. A dissertation presentated to the graduate school. University of Florida.

__ Fussell, H. (2006). The Relationship Between Social Capital, Transaction Costs, And Organizational Outcomes. Corporate Communications: An International Journal, Vol. 11. No. 2, PP. 148-161

__ Hasle. P, Kristensen, T, Moller: N, Olesen G (2007) "Organizational Social capital and the relations with quality of work and health",international congress on social capotal and Networks of Trust, 18-20october, university of jyvaskyla, finland. Available at: www. Arbejdmilijo for skning, Dk

__ King, N. (2004), Social capital and nonprofit leaders, Nonprofit Management andLeadership,vol. 14, No. 4. pp. 469-479

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

__ Nahapiet, J. 8 Ghoshal, S. (1999) “social capitall, intellectual Tal and the organizational advantage. ” Academy of Management Review, vol 23. No (20).

__ Norris, D. (2005). Social Capital Measurement: National Experiences and International Harmonization. Helsinki: A Beginning. Siena Group Meeting.

__ Petersen, D. (2002). The P otential of Social Measures in the Evaluation of Comprehensive Community – Based Health Initiatives. American Journal of Evaluation. vol. 23. No. 1. Pp. 55–64.

__ Pope, J. (2003). Social Capital and Social Capital Indicators: A Read ing List. Working Paper Series, no. , pp. 10. Put nam,

__ R. D. (2000). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Society. New York. NY: Sim on and Schuster

__ Vilanov, E. p & Josa, R. T. (2003), “Social Capital as a managerial phenomenon”, working paper, Department of industrial Engeneering and Management, Tampere university of Technology.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]